پای صحبت‌های دکتر بهنام اوحدی روانپزشک درباره تیپ‌های متفاوت شخصیتی

شخصیت‌شناسی خودمانی با دایناسورها

■ مرجان یشایایی

مجسمه پلاستیکی ۳ دایناسور روی میز کار دکتر بهنام اوحدی، روانپزشک، نظرم را جلب کرد. یکی دایناسوری عظیم‌الجثه با جمجمه‌ای کوچک و گردنی دراز، موجودی بی‌دفاع و گیاهخوار، دیگری با قدی کوتاه‌تر و بدنی زره‌گونه و شاخ‌هایی بلند که او هم گیاهخوار بوده، منتها در وقت حمله از خود دفاع می‌کرده و دیگری دایناسوری درنده و گوشتخوار و حیوانی مهاجم و خطرناک. اوحدی عقیده دارد، مردم یکی از این ۳ دایناسور هستند یا ترکیبی از این ۳. این مقدمه‌ای بود برای گفت‌وگوی «سلامت» با او درباره تیپ‌های مختلف شخصیتی افراد.

سلامت: آقای دکتر! اگر موافق باشید، از این ۳ دایناسور شروع کنیم. دیدن ۳ دایناسور روی میز یک روان‌پزشک عجیب نیست؟

فلسفه‌اش را که بدانید، می‌بینید عجیب نیست. پس از سال‌ها تجربه در کار روان‌درمانی به این نتیجه رسیده‌ام که شخصیت مردم را می‌توان با نماد یکی از این ۳ دایناسور یا ترکیبی از آنها توصیف کرد. ساواناساروس همین دایناسور عظیم گردن‌دراز بی‌خطر گیاهخوار، نماد آدم‌های خجول و بی‌دست‌وپا و کم‌جرأت است. این یکی تریسراتوس که به دایناسور سه‌شاخ هم معروف است، گیاهخوار است اما وقتی مورد هجوم واقع شود، می‌تواند با همین شاخ‌ها از خود دفاع کند و آخری که اگر هیچ علاقه‌ای هم به دایناسورها نداشته باشید حتما در بازی‌های رایانه‌ای زیاد او را می‌بینید، تی‌رکس، جانوری درنده و مهاجم و گوشتخوار بوده که از نظر من نماد انسان‌های بی‌رحم و ضداجتماعی و بی‌وجدان است. افراد اغلب یا دومی هستند یا ترکیبی از این نمادها. من به این نوع معرفی شخصیت، «شخصیت‌شناسی خودمانی» می‌گویم.

سلامت: این شخصیت‌ها را چطور می‌توان تعریف کرد؟

ما شخصیت‌ها را به چند گروه تقسیم می‌کنیم. اولین گروه، گروه A است. افرادی که در این شاخه تعریف می‌شوند، از نظر هیجانی سرد هستند، باورها و رفتارهای عجیب و نیز دوستان کمی دارند، انزواطلب و گوشه‌گیر هستند و از نظر جنسی و زناشویی در وضعیت متوسط‌اند و کمی هم بدبین هستند. در این گروه شخصیت‌های درخودمانده، فلسفی و تنهایی گزین – شگفت‌انگیز، ماورایی و خرافه‌پرداز – سرنخ‌جو، بدگمان و شکاک یا همان پارانوئید را می‌توان گروه‌بندی کرد. عموما این افراد همان دایناسور سه‌شاخ گیاهخوار تدافعی هستند. افراد این گروه حق کسی را پایمال نمی‌کنند، اما اجازه هم نمی‌دهند حقشان پایمال شود. مال کسی را نمی‌خورند و دنبال ناموس کسی نیستند و سر کسی کلاه نمی‌گذارند، اما به وقت حمله سخت از خود دفاع می‌کنند.

گروه بعدی، شخصیت‌های گروه B هستند. این افراد گرم و پرحرارت، جسور و ماجراجو هستند. از لحاظ عاطفی پرهیجان و از لحاظ جنسی و زناشویی اغلب پر فرازوفرود و برونگرا هستند. حضور در جمع را دوست دارند و نیز می‌خواهند مورد ستایش قرار گیرند. آنها را می‌توان با جاه‌طلبی، رفتارهای نمایشی و بی‌ثباتی و بلندپروازی شناخت.

البته نمی‌توان گفت همه این رفتارها در شخصیت‌های گروه A یا B با هم وجود دارند، بلکه این تعریف‌ها جنبه کلی و عمومی دارند.

گروه B خود به ۴ شخصیت تقسیم می‌شود؛ اول، خودشیفته (نارسیستیک). ناپلئون، هیتلر و موسولینی از شخصیت‌های آشنای خودشیفته تاریخ هستند. دوم، نمایشی اغواگر مانند مرلین مونرو. سومی، شخصیت‌های مرزی آشوب‌مدار هستند و شخصیت بعدی را ما «آنتی‌سوشیال» یا «جامعه‌ستیز» می‌گوییم. این جامعه‌ستیزها غالبا افراد بی‌وجدانی هستند.

برخی افراد حتی عملکردهای ضداجتماعی هم دارند؛ قحطی بزرگ ایران در زمان احمدشاه، آخرین شاه قاجار، به دلیل تحریم‌های انگلستان و خارج کردن گندم از ایران که باعث شد یک‌چهارم مردم کشورمان از بین بروند را من عملکرد ضداجتماعی می‌دانم، درصورتی که چهره دولت انگلستان، چهره‌ای وسواسی و قانون‌مدار به نظر می‌رسد. بمباران توکیو از سوی آمریکا با بمب‌های بنزینی هم به نظر من رفتاری ضداجتماعی است.

سلامت: کلاهبرداران مالی جزو کدام گروه قرار می‌گیرند؟

کسانی که با خیال راحت کلاهبرداری می‌کنند، شخصیت ضداجتماعی دارند. اراذل و اوباش، افراد شرور، جاعلان قرارداد و... در این گروه قرار می‌گیرند. مغز این افراد با افراد عادی فرق می‌کند و نوار مغزی این افراد این تفاوت را نشان می‌دهد. این ویژگی در حد خصلت همان دایناسور تریسراتوس یا سه‌شاخ با حالت تدافعی است و در حالت اختلال که به مال و زندگی و ناموس بقیه حمله می‌کنند، می‌شوند دایناسورهای تی‌رکس تهاجمی گوشتخوار.

سلامت: گروه C هم داریم؟

بله، این گروه شامل ۲ تیپ شخصیت است؛ شخصیت وابسته و منفعل و شخصیت هراسان، گریزان و مردم‌گریز و پرهیزمدار، همان دایناسور گردن‌دراز بدون شاخ و بدون زره و سپر علف‌خوار که می‌تواند در اندازه خصلت یا اختلال باشد. شخصیت‌های گروه C چند ویژگی دارند؛ محتاط و محافظه‌کار، میانه‌رو و مضطرب و ترسو و هراسان هستند، افرادی منفعل که جنم و جرأت کمی دارند و در جامعه بدون حمایت اقوام و دوستان نمی‌توانند رشد شغلی قابل‌قبولی داشته باشند. درآمد آنها معمولا زیاد نیست. مثلا کم پیش می‌آید که خانم آرایشگری در گروه C درآمد خوبی داشته باشد، اما همین آدم با درآمد خوب هم غالبا از زندگی راضی نیست، اقتدار ندارد و نمی‌تواند برای سرمایه‌گذاری مالی درست تصمیم بگیرد.

این خصلت‌ها فردی هستند و نمی‌توان آنها را به حرکت‌های اجتماعی **نسبت** داد.

گذشته از تیپ‌هایی که گفتیم، شخصیتی وجود دارد که در هیچ کدام از این ۳ گروه طبقه‌بندی نمی‌شود و در آخرین گروه‌بندی آماری بیماری‌ها و اختلالات روانی حذف شده ولی ما در ایران این نوع را بسیار می‌بینیم. این افراد شخصیت‌های تحلیل‌برنده، پرخاشگر – منفعل هستند. این شخصیت‌ها معمولا کارها را درست انجام نمی‌دهند، سهل‌انگار هستند و از زیر بار مسوولیت فرار می‌کنند، اما صاحبان قدرت و آدم‌های موفق را زیر سوال می‌برند و به همه کس و همه چیز ایراد می‌گیرند. به نظر آنها همه افراد موفق یا پول بادآورده داشته‌اند یا پارتی و زحمتی برای جایگاه خود نکشیده‌اند. این گروه افراد فقط حرف می‌زنند. چنین شخصیت‌هایی مانند گوشواره به شخصیت‌های گروه B آویزان می‌شوند. این نوع آخر را شاید بتوان به دایناسور گردن‌دراز بی‌شاخ و بی‌زره تشبیه کرد. این افراد هم جرأت کمی دارند و بیشتر کارشکنی می‌کنند تا اینکه کار مفیدی انجام دهند. آنها بیشتر چوب لای چرخ می‌گذارند و انرژی جمع را تحلیل می‌برند. در زندگی‌های زناشویی نیز همسران بدی هستند. در زنان این خصلت کمتر دیده می‌شود و اغلب مردها چنین زنانی را کمتر برای ازدواج انتخاب می‌کنند. در کل باید گفت شخصیت‌های پرخاشگر – منفعل هیچ کاری را درست انجام نمی‌دهند، اما مدام غر می‌زنند و تمام مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی را زیر سوال می‌برند، اما این افراد درواقع فرافکنی می‌کنند.

سلامت: این شخصیت‌ها تغییر هم می‌کنند؟

کلا شخصیت‌ها طیف هستند که از خصلت یا صفت شروع و به اختلال ختم می‌شود. وسط این طیف را می‌توانیم خصلت پررنگ بگوییم. شخصیت چه در اندازه خصلت، چه در اندازه اختلال یا تغییر نمی‌کند یا بعد از روان‌درمانی‌های طولانی اندکی تغییر می‌کند. در چند مورد ما می‌توانیم تغییر شخصیت را به‌وضوح ببینیم. خونریزی‌های گسترده مغز پس از ضربه محکم به سر، جراحی‌های گسترده مغزی، اشعه‌درمانی گسترده مغزی، سکونت در اردوگاه‌های اسارت یا حضور چندماهه در جبهه‌های جنگ و رویدادهایی از این قبیل می‌تواند باعث تغییر شخصیت شود، اما خواندن کتاب، تفکر، یوگا یا مدیتیشن در حالت عادی تاثیری بر سبک شخصیت فرد ندارد.

سلامت: اختلال چه تفاوتی با شخصیت دارد؟

اختلال زمانی است که رفتار فرد باعث رنج و آزار و فشار بر دیگران شود و رفتار و باورها و الگوهای رفتاری بسیار عجیبی از فرد سر بزند. در وضعیت اختلال یکی از کارکردهای تحصیلی، شغلی، سرگرمی، خانوادگی، زناشویی و حرفه‌ای دچار مشکل جدی می‌شود یا از بین می‌رود. مثلا فرد افت تحصیلی شدید پیدا می‌کند، به دلیل نمرات بسیار پایین از دانشگاه اخراج می‌شود یا از پروژه‌های شغلی کنار گذاشته می‌شود، همسرش طلاق می‌گیرد یا کارشان به مشاوره‌های متعدد زناشویی می‌کشد یا رابطه‌اش با فرزندانش به هم می‌خورد. در این حالت، خصلت فرد به اختلال تبدیل شده است.

سلامت: یعنی مثلا یک آدم عصبانی نمی‌تواند آرام شود؟

آدم عصبانی می‌تواند آرام شود، اما اگر خودشیفته عصبانی باشد، می‌شود خودشیفته آرام. اگر افسرده عصبانی باشد، با کمک برخی تکنیک‌ها یا داروها، می‌شود یک آدم افسرده آرام. یا شخصیت وسواسی عصبانی، آرام می‌شود. از طرفی باید گفت آدم خودشیفته وابسته نمی‌شود، مگر اینکه در انتهای عمر با کاهش چشمگیر توان بدنی، برخی وجوه خودشیفتگی او پنهان شود.

سلامت: برای اینکه فردی را در گروهی خاص طبقه‌بندی کنیم، خصوصیات باید چقدر پایداری داشته باشند؟

برای این طبقه‌بندی خصوصیات فرد باید از پایان نوجوانی یا آغاز جوانی؛ یعنی حدود ۱۸ سالگی، در فرد ثابت دیده شوند. عملکردهای لحظه‌ای نمی‌توانند ملاک قضاوت و طبقه‌بندی قرار گیرند. بعضی کارشناسان معتقدند شخصیت افسرده و شخصیت وسواسی آنقدر به هم شبیه هستند که بهتر است آنها را از گروه C خارج کرد و در گروه جداگانه D قرار داد. هرچند گروه‌بندی‌های بین‌المللی شخصیت وسواسی را کنار وابسته، هراسان، گریزان و نگران در گروه C قرار می‌دهد، اما درواقع شخصیت وسواسی تفاوت‌های زیادی با شخصیت وابسته، منفعل، هراسان و نگران دارد. وسواسی‌ها اعتمادبه‌نفس قوی‌تر و جنم و جرأت و قدرت کاری بیشتری دارند. بنابراین شخصیت‌های گروه D یعنی شخصیت‌های افسرده، منتقد و چارچوب‌مدار و قانون‌مدار را چه در اندازه اختلال، چه در اندازه خصلت، همان دایناسور زره‌دار، شاخدار و سپردار و گیاهخوار می‌بینیم که به وجدانیات پایبندند و به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند. البته بقیه شخصیت‌ها هم به وجدانیات اعتقاد دارند، اما این پایبندی در وسواسی‌ها بسیار بیشتر است.

سلامت: گاهی در رانندگی می‌بینیم افراد عملکردهای عجیبی از خود نشان می‌دهند؛ ناگهان می‌پیچند یا ناگهان ترمز یا پرخاشگری می‌کنند. این افراد در کدام گروه قرار می‌گیرند؟

آنها در گروه خاصی قرار نمی‌گیرند و لزوما نمی‌توان این افراد را پرخاشگر – منفعل دانست. هر کدام از تیپ‌های شخصیتی دیگر که عصبیت داشته باشد، می‌تواند این کار را انجام دهد. جدای از آن، بی‌قراری و بی‌ثباتی و مهم‌تر از آن اختلالات خلقی ممکن است باعث بروز چنین رفتارهایی شوند.

سلامت: اگر موافقید به مصادیق بپردازیم. وحید مرادی، شرور معروف تهران که متهم به ارتکاب قتل و شرارت بود، حدود ۱ ماه قبل در زندان توسط یکی از دوستانش به قتل رسید و جنجال زیادی در رسانه‌ها به پا کرد. بسیاری بعد از آن خرده گرفتند که چرا تشییع جنازه چنین آدمی باید اینقدر پرتعداد و سنگین برگزار شود؟ وحید مرادی را می‌توان ضداجتماعی دانست؟

من تا حدودی زندگی این فرد را مطالعه کرده‌ام. وحید مرادی بیشتر از آنکه ضداجتماعی باشد، خودشیفته بود و نوعی زندگی رابین‌هودی داشت. تا جایی که می‌دانم، بسیاری از زورگویی‌ها و زورگیری‌های او به خاطر طرفداری از نیازمندان بوده، البته با روش‌های خشن غیرقانونی مخصوص به خودش. حق حساب شخصی نمی‌گرفت و حق‌مردم‌خور نبود. این افراد را نمی‌توان ضداجتماعی دانست. کلاهبرداری که با خیال راحت یک خانواده را به خاک سیاه می‌نشاند، بیش از شروری که به روش خودش می‌خواهد احقاق حق کند، ضداجتماعی است. رابین هود هم یک شرور و دزد معروف و محبوب است.

سلامت: می‌خواهید به چه نتیجه‌ای برسید؟

می‌خواهم از این گفت‌وگو نتیجه بگیرم که نمی‌توان درباره شخصیت افراد به صرف چند عملکرد به آسانی نظر داد. با دیدن خالکوبی روی بدن کسی یا حتی بروز رفتار پرخاشگرانه نمی‌توان برچسب ضداجتماعی به او زد. باید دید این فرد در چه خرده‌فرهنگی رشد کرده؟ افرادی مانند وحید مرادی در خرده‌فرهنگی رشد کرده‌اند که مثلا می‌گوید باید بخوری تا خورده نشوی و باید بکشی تا زنده بمانی. این افراد تبدیل به پدیده‌های اجتماعی می‌شوند و شاید بتوان تشییع جنازه شلوغ مرادی را به همین جنبه از شخصیت او نسبت داد. ضداجتماعی واقعی اصغر قاتل است که با کمال سنگدلی بعد از تجاوز جنسی سادیستیک (دگرآزارانه) به بچه‌ها آنها را خفه یا تکه‌تکه می‌کرده. تشخیص شخصیت نیازمند بررسی طولانی و دقیق است. افراد ضداجتماعی به راحتی برای پول آدم می‌کشند و ظالم و مظلوم برایشان فرقی ندارد.

سلامت: قتل‌های وحید مرادی را به چه موردی نسبت می‌دهید؟

به شخصیت عصبی و فرازوفرودهای خلقی او. فردی خودشیفته، مرزی و بسیار عصبی و بدون داشتن شخصیت بارز ضداجتماعی.

می‌خواهم به شخصیت دیگری نیز بپردازم؛ شخصیت پارانوئید (سوءظنی) با ویژگی‌های نظم شدید و قانون‌مداری، مثل هیتلر که دقیقا می‌تواند شخصیت وسواسی جبری را تقلید کند یا حتی ما در محیط‌های علمی، شخصیت‌های ضداجتماعی علمی داریم که شخصیت وسواسی را تقلید می‌کنند، مثل بسیاری از پزشکان که مقالات تقلبی علمی به نشریات علمی دنیا فرستادند و آبرویشان هم به‌عنوان مقاله‌سازان تقلبی رفت. برخی دانشمندانی که روی بمب‌ها یا تجهیزات نظامی هم کار می‌کنند، شخصیت‌های خودشیفته دارند. برای درک بهتر از موضوع فیلم «آمن» را ببینید که نشان می‌دهد چگونه شیمیدان‌های آلمانی در زمان هیتلر، بمب‌های شیمیایی برای جبهه‌های جنگ می‌سازند. بعد از آنکه یکی از آنها می‌بیند این گاز برای از بین بردن معلولان جسمی و یهودی‌ها و کولی‌ها به کار می‌رود، به کلیسای رم خبر می‌دهد و البته واتیکان چشم بر این داستان می‌بندد. بعد از پایان جنگ بسیاری از آنها به‌عنوان جنایتکار جنگی محاکمه می‌شوند. این دانشمندان معمولا خودشیفته‌هایی هستند که جذب ایدئولوژی خاصی می‌شوند.

مثلا خلبانی که برای کشور خود می‌جنگد را نمی‌توان شخصیت ضداجتماعی دانست، اما داعشی‌ها که از گوشه و کنار جهان جمع شده‌اند تا آدم بکشند و سر ببرند و جنایت کنند، قطعا شخصیت‌های ضداجتماعی دارند. شاید الگوی دایناسوری که به‌عنوان نمادهای شخصیتی پیشنهاد می‌کنم و نام آن را «شخصیت‌شناسی خودمانی» گذاشته‌ام، برای مخاطبان عام قابل فهم‌تر باشد. به جای ریز شدن در نوع شخصیت‌ها و شناخت علمی آنها می‌توان به صورت کلی گفت ما با ۳ نوع شخصیت سروکار داریم؛ تهاجمی که حق بقیه را زیر پا می‌گذارد و عصبی و پرخاشگر است. شخصیت‌های تدافعی که وجدان دارند، حقوق بقیه را زیر پا نمی‌گذارند و به گوشتخواری افتخار نمی‌کنند و خیلی اوقات اندیشه‌های گیاهخواری دارند که البته شاید نتوانند به آن عمل کنند. دنبال رشد خودشان هستند، نه پایین کشیدن دیگران.

برای این طبقه‌بندی خصوصیات فرد باید از پایان نوجوانی یا آغاز جوانی؛ یعنی حدود ۱۸ سالگی، در فرد ثابت دیده شوند. عملکردهای لحظه‌ای نمی‌توانند ملاک قضاوت و طبقه‌بندی قرار گیرند. نمی‌توان درباره شخصیت افراد به صرف چند عملکرد به آسانی نظر داد. با دیدن خالکوبی روی بدن کسی یا حتی بروز رفتار پرخاشگرانه نمی‌توان برچسب ضداجتماعی به او زد. باید دید این فرد در چه خرده‌فرهنگی رشد کرده است

آنها از مال و جان و ناموس خود سخت دفاع می‌کنند. چاقوکشی نمی‌کنند و سلاح گرم یا سرد را برای دفاع از خود نگه می‌دارند. شخصیت سوم همان‌طور که گفتم دایناسورهای بی‌زره گیاهخوار هستند که من آنها را نماد آدم‌های کم‌جرأت می‌دانم و درباره آنها مفصل توضیح داده‌ام. متاسفانه حق این آدم‌های ساده‌انگار در جامعه پایمال می‌شود.

سلامت: بگذارید به دایناسورهای گوشتخوار درنده بپردازیم. این نوع شخصیت‌ها حتما باید رفتار بیرونی خاصی داشته باشند؟ مثلا با رفتارهای عصبی مشخص می‌شوند؟

نه، این افراد می‌توانند ماسکی آرام و مهربان و مردم‌دار و مودب و جنتلمن به صورت داشته باشند. درمانگر باید تجربه زیادی داشته باشد، تا بتواند هیبت روانی افراد را تشخیص دهد. هیبت روانی افراد ربطی به فیزیک و ظاهر افراد ندارد. معروف‌ترین چاقوکش تاریخ ایران، امین آقافرزانه جثه‌ای بسیار ریز داشته. چاقی و لاغری هم دلیل ویژگی شخصیتی خاصی نیست. فقط یک درمانگر کهنه‌کار بعد از چند جلسه روان‌درمانی می‌تواند به ماهیت واقعی شخصیت افراد پی ببرد. باید بدانیم هر فرد معمولا ترکیبی از چند تیپ شخصیت است و شایع‌ترین شخصیت‌ها، شخصیت‌های مرکب یا مخلوط هستند و کمتر کسی را می‌بینیم که یکی از این نوع شخصیت‌ها را داشته باشد.

سلامت: کمی به محیط اجتماعی که می‌تواند شخصیت افراد را شکل دهد، بپردازیم. در یک محیط مناسب و مساعد شخصیت‌های پرخاشگری که ما آنها را اراذل و اوباش می‌نامیم، چه تفاوتی با دیگران داشتند؟

قطعا تفاوت داشتند، مثلا شاید می‌توانستند جراح یا نظامی یا کماندو خوبی شوند اما ویژگی پرخاشگری و عصبیت همچنان در آنها باقی می‌ماند، اما مثلا نمی‌توانستند معلم شوند.

سلامت: ترامپ چه نوع شخصیتی دارد؟

ترامپ شخصیتی کاملا خودشیفته و دوقطبی و پر فرازوفرود دارد، با منحنی‌های پرشیب خلقی. می‌خواهم همین جا کتابی برای مطالعه شخصیت‌ها پیشنهاد کنم؛ کتاب «عشق ویرانگر» ترجمه زهرا حسین‌زاده و الهام شفیعی که به چاپ چندم رسیده و از جمله کتاب‌هایی است که کمک کرده ما از تحلیل‌های خرافی شخصیتی برمبنای ماه و سال فاصله بگیریم و با راه‌های علمی آشنا شویم.

سلامت: درباره شخصیت‌شناسی ماه هم بفرمایید.

تا پیش از ورود تحلیل‌های علمی به ایران، تحلیل‌های شخصیتی بیشتر براساس ماه تولد بودند. مرد فروردینی، زن دی‌ماهی، زن خردادی را مبنای تحلیل شخصیت افراد می‌دانستند. فال‌بینی هندی براساس ماه یا فال‌بینی چینی براساس سال اصلا، تاکید می‌کنم اصلا پایه علمی ندارد و درست نیست. افراد زیادی را می‌بینیم که در یک ماه اما با خصوصیات متفاوت به دنیا آمده و زندگی کرده‌اند. این کتاب کمک کرده جامعه ایران از این خرافات فاصله بگیرد.

سلامت: این خصلت‌ها محیطی است یا ارثی؟

شخصیت‌های افراد اصولا ارثی و مادرزادی است. درصد کمی از شخصیت پرورشی است. شخصیت فرد ۳ جزء دارد؛ یکی سرشت که بخش ژنتیک و مادرزادی فرد است. دیگر منش یا کاراکتر که بیشتر پرورشی و تربیتی است و دیگری جان و روان که روحانی است و می‌تواند پرورشی باشد اما بخش اصلی شخصیت مادرزادی و ارثی است.

سلامت: در این صورت، نقش نظام آموزشی چه می‌تواند باشد؟

آموزش می‌تواند الگوهای رفتاری و فکری را تغییر دهد، اما در شخصیت افراد نقشی ندارد. به بیان بهتر، آموزش درست می‌تواند بهترین زمینه را برای ایفای نقش‌های گوناگون برای تیپ‌های شخصیتی متفاوت فراهم کند. هیتلر در هر شرایطی شخصیت خودشیفته، نمایشی، مرزی و پارانوئید داشته یا چرچیل شخصیت نمایشی و وسواسی داشته است.■

ساواناساروس همین دایناسور عظیم گردن‌دراز بی‌خطر گیاهخوار، نماد آدم‌های خجول و بی‌دست‌وپا و کم‌جرأت است

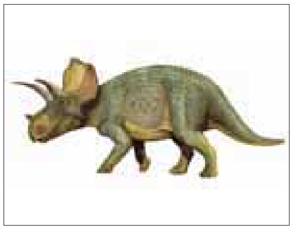

تریسراتوس که به دایناسور سه‌شاخ هم معروف است، گیاهخوار است اما وقتی مورد هجوم واقع شود، می‌تواند با همین شاخ‌ها از خود دفاع کند

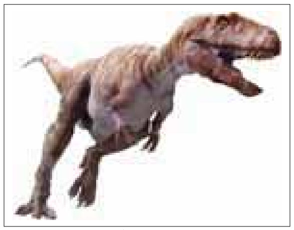

تی‌رکس، جانوری درنده و مهاجم و گوشتخوار بوده که نماد انسان‌های بی‌رحم و ضداجتماعی و بی‌وجدان است. افراد اغلب یا دومی هستند یا ترکیبی از این نمادها